

۳. توجه به خدا در همه حالات

باید کودک را به گونه‌ای تربیت کرد که خدا را همواره اعمال خود، مراقب و ناظر و برنجواها و خیانت چشمها، آگاه بداند. مربی باید چنین خلقی را در وجود فرزند پروراند و غفلت و بی‌توجهی به خدا را از او دور کند.

باید به او آموخت که همواره در اقوال و اعمالش اخلاص داشته و در هر کاری هدفش خدا باشد تا به درجه عبودیت خالص و اخلاص برسد. همان چیزی که در آیه زیر آمده است:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينٌ

الْقِيَمَةِ؛^۱ به آنها دستور داده نشده جز اینکه با اخلاص دینی خدا را پرستش کنند و به بیراهه نروند و نماز بگزارند و زکات بدهند که دین کتاب‌های قیم [آسمانی] همین است. مربی باید به کودک تفهیم کند که خداوند هر عملی را نمی‌پذیرد. بلکه عملی مقبول اوست که به قصد قربت باشد.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: لا عمل الا بنیة؛^۲ هیچ عملی بدون نیت ارزش ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نية المؤمن خیر من عمله و نية الكافر شرّ من عمله و كلّ عامل یعمل علی نية؛^۳ نیت مؤمن بهتر است از عملش و نیت کافر بدتر است از عملش و هر عمل‌کننده‌ای مطابق نیتش عمل می‌کند.

باید به طفل تعلیم داد که به افکاری سرگرم شود که او را به خداوند نزدیک می‌کند. یعنی افکاری که برای او و جامعه و بشریت مفید است. او باید عادت کند که عقل و دل و هوایش تابع دستور خاتم پیامبران باشد. او باید همواره در برابر کژی‌ها و حتی افکار غلط خود را محاسبه و مؤاخذه کند. مربی باید طفل را عادت دهد که آیات آخر سوره بقره را بخواند و به مواعظ و ارشادات آن توجه کند و همواره خود را در پناه خالق قرار دهد و با او مناجات و راز و نیاز کند. طفل باید از افکار پلید پرهیز کند و از حسد و حقد و سخن‌چینی و شهوات باطل فاصله بگیرد و از وساوس شیطانی و نفسانی بدور بماند و توجه کند که همواره در منظر خداست.

فردی از رهبر عالی‌قدر اسلام می‌پرسد: احسان چیست؟ می‌فرماید: ان تعبد الله كأنك تراه فان لم تكن تراه فإنه يراك؛ خدای را به‌گونه‌ای عبادت کنی که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.

قرآن کریم می‌فرماید: وَاٰمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ اِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، اِنَّ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا اِذَا مَسَّهُمْ طٰئِفٌ مِّنَ الشَّيْطٰنِ تَذَكَّرُوْا فَاِذَا هُمْ مُبْصِرُوْنَ؛^۴ اگر از شیطان به تو وسوسه‌ای رسد، به خدا پناه ببر که او شنوا و داناست. آنان که تقوا پیشه کرده‌اند، هرگاه طواف‌کننده‌ای از شیطان آنها را مس کند، متذکر می‌شوند و بینا می‌گردند.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۸۴

۴. الاعراف / ۲۰۰ و ۲۰۱.

۱. البینه / ۵.

۳. همان.

بزرگان اسلام در تربیت و تعلیم از همین روش‌ها استفاده می‌کردند. به نقل غزالی، سهل بن عبدالله تستری می‌گوید: «سه‌ساله بودم. شب‌ها برمی‌خاستم و به نماز دایی‌ام می‌نگریستم. به من گفت: نمی‌خواهی به یاد خالق خود باشی؟ گفتم: چگونه؟ گفت: سه بار در بستر خواب به زبان دل، و نه زبان سر، می‌گویی: خدا با من است. خدا ناظر من است. خدا شاهد من است. چند شبی این را گفتم. سپس به او اطلاع دادم. گفت: همان را شبی یازده بار بگو. گفتم و حلاوت آن را در دلم احساس کردم. پس از یکسال دایی‌ام گفت: آنچه یادت می‌دهم بگو و بر آن مداومت کن تا وارد قبر شوی که در دنیا و آخرت تو را مفید است. سالها این را می‌گفتم و در باطن خود حلاوت آن را می‌یافتم. یک روز دایی‌ام به من گفت: کسی که خدا با او و شاهد و ناظر اوست، آیا معصیت می‌کند؟ از معصیت بپرهیز.»

سهل با عمل به همین رهنمودها از بزرگان عرفا و صلحا شد و این نبود مگر به برکت تعلیمات دایی‌اش که ایمان، مراقبت و اخلاق را در نهادش پروراند. اگر پدران و مادران از چنین روش‌هایی استفاده کنند، در پرورش نسلی صالح و متقی موفق خواهند شد. هدف تعلیم و تربیت همین است و آنهایی که در این راه تحقیق و تلاش می‌کنند، می‌کوشند که به چنین هدفی برسند. اکنون به چند نمونه از اقوال آنها اشاره می‌کنیم: داستایوفسکی می‌گوید: «بزرگترین داستان من در جهان غرب این است که ببینم انسان پس از ترک خدا چگونه گرفتار شیطان شد.»

ادیب بزرگ فرانسه، ولتر، به طرفداران الحاد و تشکیک و ماتریالیسم می‌گوید: «چرا درباره خدا شک می‌کنید؟ اگر خدا نبود، زخم به من خیانت می‌کرد و خدمتگزارم اموال مرا می‌دزدید.»

دکتر هنری لنک، روان‌شناس آمریکایی، در کتاب *بازگشت به ایمان* می‌گوید: «پدرانی که درباره ساختار اخلاقی و عادات فرزندانشان گرفتار مشکل هستند، باید بدانند آن ایمانی که پایه‌های اخلاقیات خودشان را تقویت می‌کرد، وجود ندارد. هیچ چیزی که بتواند جای آن را هم بگیرد، پیدا نشده است. ایمان به خدا و نظام اخلاقی اوست که

انسان‌ها را پایبند اخلاق می‌کند و آن که ایمان ندارد، از اخلاق محروم است.»

مجله حج، در شماره سوم سال بیست و سوم خود از قول سوتیلانا دختر استالین می‌نویسد: «علت اینکه ترک وطن و خانواده کردم، دین بود. من در خانواده‌ای بزرگ شدم که خدا را نمی‌شناختند و نام خدا را نمی‌بردند، نه عمداً نه سهواً. هنگامی که به سن رشد رسیدم، متوجه شدم که زندگی بدون ایمان به خدا زندگی نیست. منهای ایمان جامعه به عدل و انصاف نمی‌رسد. انسان اگر از آب و هوا بی‌نیاز باشد، از ایمان هم بی‌نیاز است.»

کانت می‌گوید: «بدون اعتقاد به خدا جاودانگی روح و معاد و اخلاق وجود ندارد.»

پس ایمان به خدا اساس اصلاح فرزند و ملاک تربیت اخلاقی و روانی اوست. علمای اخلاق میان ایمان و اخلاق رابطه محکمی می‌بینند. همچنان‌که میان عقیده و عمل رابطه‌ای ناگسستنی می‌شناسند. این بحث بعداً روشن‌تر خواهد شد.

ایمان سرچشمه همه فضایل است. بنابراین، تربیت ایمانی بسیار اهمیت دارد. اگر ایمان نباشد، احساس مسئولیتی در کار نیست و انسان هدف زندگی را نمی‌شناسد و از فضایل و کمالات محروم می‌ماند و همچون حیوانات فقط به فکر سیرکردن شکم و اشباع غرایز و شهوات است. چنین کسانی در زمره کافران‌اند.

قرآن درباره آنها می‌گوید: وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ؛^۱ کافران بهره می‌برند و می‌خورند، همان‌گونه که چارپایان می‌خورند و آتش جایگاه آنهاست.

پس مربی باید همواره بکوشد که طفل را با براهین روشن و منطق محکم متوجه خدا سازد و از تمام فرصت‌ها در این راه بهره‌گیرد و از هیچ نصیحتی فروگذار نکند. شیوه تربیتی رهبران بزرگ و عالی‌قدر اسلام همین بود.

پیامبر اکرم ﷺ درباره ابن عباس فرمود: لکل شیء فارس وفارس القرآن عبدالله بن عباس؛^۲ برای هر چیز، سوارکاری است و سوارکار قرآن، عبدالله بن عباس است.

او و خالد بن ولید در سمت راست و چپ پیامبر نشستند. برای پیامبر کاسه

شیری آوردند. قدری از آن نوشید و چون ابن عباس خردسال بود، به او فرمود: این شیر از آن توست. اجازه می‌دهی به خالد بن ولید بدهم؟ گفت: نه به خدا، بخشش پیامبر خدا را به هیچ‌کس نمی‌دهم. سپس کاسه را گرفت و بقیه شیر را نوشید. پیامبر خدا علم او را می‌ستود و می‌فرمود: تا نابینا نشود، از دنیا نمی‌رود.^۱

ابن عباس به‌طور مستقیم زیر نظر پیامبر تعلیم و تربیت دیده و نیز از شاگردان امیرالمؤمنین است و به چنین کسی باید در میان امت اسلامی توجه شود و در وقایع فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اسلام تأثیر فراوان داشته باشد و چنین است. از رهنمودهای مهمی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران کودکی به او کرده این است:

احفظ الله تجده أمامك تعرف إلى الله في الرخاء يعرفك في الشدة واعلم أن ما أخطاك لم يكن ليصيبك وما أصابك لم يكن ليخطئك واعلم أن النصر مع الصبر وأن الفرج مع الكرب وأن مع العسر يسراً؛ خدای را محافظت کن تا او را پیش روی خود بنگری. در نعمت به یاد خدا باش تا در گرفتاری به یاد تو باشی. آنچه به تو نرسیده، به تو نخواهد رسید و آنچه به تو رسیده از تو نمی‌گذرد. بدان که پیروزی با صبر و گشایش با گرفتاری و آسانی با سختی است.

توصیه می‌کنیم که مربیان برای تعلیم و تربیت نوباوگان و تقویت ایمان و اعتقاد آنها به تناسب سن و سال، توجه داشته باشند که برای هر مرحله‌ای کتاب‌های خاصی مناسب است. کتاب‌هایی که برای ده تا پانزده سالگی مفید است، باید به وسیله صاحب‌نظران انتخاب شود و در اختیار نوجوانانی که در این سن و سال‌اند قرار داده شود.

بین پانزده تا بیست سالگی کتاب‌های خاصی لازم است و پس از بیست سالگی کتاب‌هایی درخور آن سن و سال و البته تشخیص با صاحب‌نظران تعلیم و تربیت است. اینها درباره‌ی جوانانی است که ادامه تحصیل می‌دهند و تا دوره‌ی دانشگاهی پیش می‌روند. اما برای آنهایی که ترک تحصیل می‌کنند و دنبال کسب و کار می‌روند، باید فکر دیگری کرد و نباید آنها را به حال خود گذاشت.